

Gender Political Justice in the Thought and Practice of Imam Khomeini

Fatemeh Kamrani

PhD student in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran (Corresponding author).

Email: fatmhamrani9@gmail.com

 0000-0002-8710-6558

Ibrahim Barzegar

Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

Email: barzegar.2010@yahoo.com

 0000-0001-9250-4772

Mohammad Baqer Khorramshad

Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

Email: khoramshad@atu.ac.ir

 0000-0003-0383-4708

Abbas Ali Rahbar

Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

Email: aa.rahbar@atu.ac.ir

 0000-0003-4170-1316

Abstract

Human history is replete with demeaning perspectives toward women that have disregarded their dignity and portrayed them as weak, incapable, or at the very least, pitiful beings. In the contemporary modern world, the issue of gender justice and the elimination of discrimination against women has become a challenging concern for societies. In Islamic countries, the interpretations and views of Muslim thinkers play a vital role in redefining the role and status of women, as the mindset of women and the performance of Islamic governments and statesmen depend on the readings and perceptions provided by Muslim scholars. This paper examines the speech, writings, and practical conduct (*Sirah*) of Imam Khomeini (RA) regarding the true status of women. He is among the thinkers who have provided significant theoretical and practical breakthroughs in this field. The central question of the present research is how gender political justice is interpreted within the framework of Imam Khomeini's (RA) thought and action. The research method is qualitative content analysis, formulated using a questioning framework based on a combination of relevant theoretical discussions. Preliminary findings indicate that Imam Khomeini (RA) views the roles and responsibilities of women in the public-political sphere through an approach aligned with educational-cultural justice and governance efficiency, emphasizing the alignment between religious values and socio-human requirements. This article seeks to provide a concise explanation of the concept of gender political justice from his perspective by precisely explicating criteria and cited sources, while reinterpreting its policy-social implications.

Keywords: Imam Khomeini (RA); Gender Political Justice; Family-oriented Femininity.

Doi: [10.22034/irsj.2026.547855.1147](https://doi.org/10.22034/irsj.2026.547855.1147)

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



عدالت سیاسی جنسیتی در اندیشه و عملکرد امام خمینی (ره)

فاطمه کامرانی

دانشجو دکترا علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: fatmhlakamrany9@gmail.com  0000-0002-8710-6558

ابراهیم برزگر

هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: barzegar.2010@yahoo.com  0000-0001-9250-4772

محمدباقر خرمشاد

هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: khoramshad@atu.ac.ir  0000-0003-0383-4708

عباسعلی رهبر

هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: aa.rahbar@atu.ac.ir  0000-0003-4170-1316

چکیده

تاریخ بشری مملو از نگاهی تحقیرآمیز به زنان است که کرامت آنان را نادیده انگاشته و آنان را موجوداتی ضعیف، ناتوان و یا دست‌کم قابل‌ترحم معرفی کرده است. در دنیای مدرن معاصر، مقوله عدالت جنسیتی و رفع تبعیض علیه زنان به مسئله چالشی برای جوامع تبدیل شده است. در کشورهای اسلامی تفاسیر و آراء متفکران مسلمان نقش بسزایی در بازتعریف نقش و جایگاه زنان دارد؛ چرا که ذهنیت زنان و عملکرد حکومت‌های اسلامی و دولتمردان وابسته به خوانش و برداشتی است که عالمان مسلمان ارائه می‌کنند. این نوشتار به بررسی گفتار، نوشتار و سیره عملی امام خمینی (ره) در باب جایگاه حقیقی زنان می‌پردازد. ایشان از جمله اندیشمندانی هستند که گشایش‌های نظری و عملی قابل توجهی در این حوزه ارائه داده‌اند. پرسش مرکزی پژوهش حاضر این است که چگونه عدالت سیاسی جنسیتی در چارچوب اندیشه و کنش امام خمینی (ره) تفسیر می‌شود. روش پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی است و با استفاده از چارچوب پرسشی مبتنی بر ترکیبی از مباحث نظری مربوط تدوین شده است. یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) با رویکردی هم‌راستا با عدالت تربیتی-فرهنگی و کارآمدی حکمرانی، به تعیین نقش و مسئولیت‌های زنان در فضای عمومی-سیاسی می‌نگرد و بر همسویی میان ارزش‌های دینی و مقتضیات اجتماعی-انسانی تأکید می‌کند. این مقاله می‌کوشد با تبیین دقیق معیارها و منابع استنادی، تبیین اجمالی مفهوم عدالت سیاسی جنسیتی از منظر ایشان را ارائه دهد و پیامدهای سیاستی-اجتماعی آن را بازتفسیر کند.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، عدالت سیاسی جنسیتی، زنانگی خانواده محور.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۳، شماره ۲ (پیاپی)، تابستان ۱۴۰۵، صص ۳۷-۶۶

دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi:10.22034/rir.2026.547855.1147

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

با خلقت آدم و حوا به عنوان دو جنس مذکر و مؤنث، پیدایش و بقای نسل انسان صورت گرفت. اگرچه این دو در کنار یکدیگر آغازگر بشریت بودند، اما با گسترش جوامع در طول تاریخ، به تدریج نگاه مردان به زنان حالتی تحقیرآمیز پیدا کرد و زن به عنوان موجودی ضعیف، نحیف و با قوه عقل کمتر تعریف شد. با شیوع این نگرش، زنان عملاً از حضور در اجتماع منع شدند و در خانه حبس گردیدند. اگرچه در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف این تبعیض شدت و ضعف داشته، ولی متأسفانه استمرار و فراگیری آن غیرقابل انکار است. صرف‌نظر از دوره کوتاهی در اوایل اسلام که به مدد تعالیم و سنت پیامبر، زنان تا حدودی جایگاه و منزلت حقیقی خود را بازیافتند، سیستم‌های پیشین و برداشت‌های متحجرانه از اسلام دوباره بر زنان قیود و محدودیت‌هایی تحمیل کردند که هنوز رگه‌های آن را در آرای متفکران سنتی مشاهده می‌کنیم (هدایت‌زاده، ۱۳۸۹: ۳).

در دوران انقلاب اسلامی و پس از آن، متفکران نوگرا (احیاگر) تفاسیر و برداشت‌های جدیدی از متون دینی تدوین و ارائه کردند که بر حضور زنان در عرصه مشارکت سیاسی تأکید داشت. به عنوان مثال، امام خمینی (ره) در دی‌ماه سال ۵۷، برخلاف دوران پهلوی از حقوق زنان دفاع همه‌جانبه کردند و خواستار حضور آن‌ها در برخی فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی شدند. در سایر کشورهای اسلامی نیز شاهد این چرخش گفتمانی هستیم. این تغییرات نشان‌دهنده اهمیت و قابلیت تغییر در تفسیر متون دینی در بازه‌های زمانی گوناگون است. در حال حاضر نیز این روند متوقف نشده است. به طوری که پیرو تحولات سده اخیر، اندیشمندان مسلمان با رویکردی جدید سراغ فهم قرآن رفته و برداشت‌های جدیدی از آیات مرتبط با زنان، ارائه می‌دهند (مرادی، ۱۳۹۸: ۹-۱۱) تا پاسخ‌گوی خواسته‌ها، نیازها و چالش‌های هویتی زنان مسلمان باشند؛ چرا که امروزه شاهد افزایش اعتراضات زنان مسلمان به دلیل تصور محرومیت زنانگی و احساس بی‌عدالتی در جوامع اسلامی هستیم. لذا در چنین وضعیتی مقوله عدالت سیاسی جنسیتی در جوامع اسلامی به معما تبدیل شده است.

در اندیشه امام خمینی (ره) به مثابه بنیان‌گذار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مفهوم عدالت از مفاهیم کلیدی و تعیین‌کننده به شمار می‌رود به‌ویژه آن‌که ایشان عدالت را در ارتباط با سیاست نیز مدنظر قرار داده است. از همین رو این پرسش اساسی مطرح می‌شود که در نگاه این رهبر سیاسی بزرگ، عدالت سیاسی جنسیتی چگونه تفسیر می‌شود و چه شاخصه‌هایی دارد؟ رهبری که عالمی دینی برجسته و درعین حال دانشمندی اخلاقی و برخوردار از نگرش عرفانی و فلسفی است.

پیشینه پژوهش

الف) آثار مرتبط با تبیین نظری عدالت جنسیتی

کاظمی و دیگران (۱۳۹۹)، نشان می‌دهند که در سیاست‌گذاری عمومی، به‌ویژه در زمینه مسائل زنان و خانواده، انسجام و همگرایی لازم در اسناد و برنامه‌های کلان نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد. میروسی نیک (۱۳۹۴) در تحقیق خود به بررسی رویکرد قابلیت آماریاسن و تأثیر آن بر عدالت جنسیتی پرداخته و تأکید می‌کند که رویکردهای نظری توسعه، به‌ویژه در زمینه عدالت جنسیتی، به نقش زنان نگاهی منفعلانه و رفاه‌محور دارند. در مقاله‌ای دیگر، خراسانی و احمدوند (۱۳۹۷) مفهوم عدالت جنسیتی را در ابعاد مختلف تاریخی تشریح کرده و به تضاد بین قرائت‌های اسلامی و مدرن از عدالت اشاره می‌کنند و از دیدگاه اسلام، گفتمان مدرن را به دلیل نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی زنان نقد می‌کنند. همچنین، عطارزاده (۱۳۸۸) بر لزوم حضور فعال هر دو جنس در عرصه عمومی و سیاست تأکید کرده و به تبیین مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان می‌پردازد.

ب) آثار شارحان دیدگاه امام خمینی (ره) در حوزه عدالت

هدایت‌زاده (۱۳۸۹)، گزیده‌ای از مواضع امام خمینی (ره) که به تجلیل و تبیین منزلت حضرت زهرا علیهم‌السلام و همچنین زنان بزرگ عالم و جایگاه خانه و خانواده می‌پردازد. جمشیدی (۱۳۸۰)، با هدف ارائه تصویری کلی و نمادین از مسئله عدالت در اسلام، آراء سه اندیشمند بزرگ یعنی فارابی، امام خمینی و شهید صدر را واکاوی می‌کند. کتاب جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی (ره)، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۸۷)، نیز با بررسی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص جایگاه زنان، اذعان می‌دارد امام (ره) با سود جستن از کوثر زلال معارف اسلامی و

تأمل مجتهدانه در میراث گران قدر سنت نبوی، نقش بسیار مهمی در احیای هویت زن مسلمان داشته است.

با توجه به منابع بررسی شده، به وضوح مشخص است که امام خمینی در زمینه عدالت سیاسی جنسیتی و یا مقوله عدالت به طور کلی، اثر مستقلى ارائه نکرده است. هرچند امام خمینی در آثار فقهی خود مانند تحریر الوسیله و کتاب البیع به مفهوم عدالت توجه زیادی داشته است، اما به عنوان موضوعی خاص به عدالت جنسیتی پرداخته نمی شود. همچنین، در آثاری همچون شرح چهل حدیث و شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام به عدالت از منظر فلسفی، کلامی و عرفانی نگریسته است. این نکته نشان دهنده این است که برای درک عمیق تر از مواضع امام و دیدگاه های ایشان درباره عدالت، علاوه بر بررسی آثار خود امام، مطالعه آثار شارحان اندیشه ایشان نیز بسیار مهم و ضروری است.

روش پژوهش: تحلیل محتوا کیفی

روش تحلیل محتوا یا تحلیل متن به بیان دوورژه، روشی کلاسیک و ژرفانگر است که به قصد تحلیل عمیق سندها به کار گرفته می شود (دوررژه، ۱۳۶۷: ۱۰۴). نحوه اجرای آن نیز به این صورت است که درباره متن، سؤالاتی را طراحی می کنیم و به جست و جوی جواب آن می پردازیم. به تعبیر حضرت علی (ع)، از متن مورد نظر استنطاق می کنیم و آن را به سخن گفتن وامی داریم (برزگر، ۱۳۹۱: ۱۲). در استنطاق با معانی پنهان، ضمنی و مبهم متن سروکار داریم. متن در این حالت قابلیت هایی دارد که آشکار نیست و در شرایط معینی آشکار می شود. شرایطی که قابلیت متن را آشکار می کند، سؤال های جدیدی است که در برابر متن قرار گرفته و پاسخ می طلبد. بدین سان در استنطاق، سؤال از خواننده متن و پاسخ از خود متن است (صفره و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۵). وجه استنطاق این است که یک متن به طور مستقل موضوعی را بررسی نکرده باشد و در شرایط جدید با سؤالاتی مواجه شود که در متن مطرح نیستند؛ اما متن ممکن است به طور بالقوه پاسخی برای آن ها در خود داشته باشد.

چارچوب مفهومی

عدالت

بحث عدالت از عصر کلاسیک تاکنون تقریباً مورد توجه همه فلاسفه سیاسی بوده است. نخستین ظهور عدالت در اندیشه اسطوره‌ای یونان در آثار هومر و هزیود به چشم می‌خورد. یکی از جلوه‌های اصلی درک اساطیری از عدالت، نظریه تناسب و نظم است که در آن هماهنگی ویژه‌ای برقرار است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۱: ۴۷). ارسطو و افلاطون پیرو این نگاه عدالت را در قرار گرفتن موجودات در منزلت طبیعی‌شان می‌دیدند (عنایت، ۱۳۷۷: ۵۲). افلاطون عدالت را خصیصه‌ای می‌دانست که مردمان را به روابط سیاسی به‌منظور تشکیل جامعه سیاسی وامی‌دارد (فاستر، ۱۳۶۱، ج ۱: ۵۲). بر مبنای نظریه قرارداد اجتماعی در عصر روشنگری، عمل افراد زمانی عادلانه جلوه می‌کند که همگان بر اساس توافق‌نامه‌ای که خود شهروندان تنظیم کرده‌اند، منافعشان را پیگیری کنند (عالم، ۱۳۷۳: ۱۹۶)؛ اما در سنت روسویی عدالت زیرمجموعه اخلاق قرار می‌گیرد. درواقع نگرش به عدالت از حد طبیعت و فایده فراتر می‌رود و امری اخلاقی انسانی می‌گردد (سالیوان، ۱۳۸۰: ۴۰). کانت نیز همانند روسو مبنایی اخلاقی برای عدالت قائل است و عدالت را با انصاف و بی‌طرفی مرتبط می‌سازد.

عدالت در نزد مارکسیست‌ها با توزیع ثروت، نفی مالکیت خصوصی و تجدید آزادی‌ها معنا می‌یابد (عیوضلو، ۱۳۷۹: ۲۶). محور اصلی نظریه عدالت مارکس این شعار است: «هر کس به‌اندازه توانایی‌اش، هر کس به‌اندازه نیازمندی‌اش». مارکس سوسیالیسم را تنها راه رسیدن به عدالت اجتماعی می‌دانست (قادری، ۱۳۹۴: ۸۴)؛ اما نظریه هایک در نقد مارکسیست‌ها، عدالت را بحثی اخلاقی تلقی می‌کند. کردار عادلانه در دیدگاه وی عبارت است از کردار منطبق یا سازگار با قواعد رفتاری کلی مورد تأیید سنت که خود ریشه در فرهنگ و ارزش‌های جامعه دارد. نابرابری موجود در نظام و سازوکار بازار مفید و برای فرآیند متمدن بشری ضروری است (بشیریه، ۱۳۷۵: ۲۲-۲۳). عدالت لیبرالیستی مربوط به قوانینی است که بیشترین آزادی را برای افراد جهت پیگیری اهداف مورد نظر تأمین می‌کند تا جایی که آزادی دیگران را نقض ننماید (لاریجانی و کریم‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۵۱)؛ بنابراین عدالت در تعیین ساختار

نقش دارد نه در توزیع کالا و منابع. البته باید خاطر نشان کرد که اندیشه‌های لیبرالی در طیف بسیار وسیعی قرار دارند. در یک سوی این طیف اندیشه‌های آدام اسمیت، جان لاک، هایک و نوزیک قرار می‌گیرد و در سوی دیگر آن اندیشه‌های راولز و آمارتیاسن حضور دارد. اندیشه لیبرال‌های اجتماعی مثل جان راولز و آمارتیاسن، رنگ و لعاب برابری طلبانه و جامعه‌گرایانه به خود گرفته و به سوسیالیسم نزدیک می‌شود. راولز نظریه عدالت به معنای انصاف را پیش می‌کشد و با الهام از اصحاب قرارداد، عدالت را چیزی می‌داند که اشخاص آزاد و برابر بر روی آن توافق کنند. عدالت به مثابه انصاف بر دو اصل استوار است: اصل اول، به رسمیت شناختن حق برابر همه افراد برای برخورداری از آزادی‌های اساسی مانند آزادی سیاسی، آزادی بیان و وجدان و حفظ کرامت انسانی است. اصل دوم این است که نابرابری‌های اجتماعی به شرطی موجه و قابل پذیرش هستند که برای مصالح همگانی سازمان‌یافته باشند و بیشترین سود را برای محروم‌ترین افراد داشته باشند (راولز، ۱۳۸۳: ۸۴). محور بحث راولز عدالت اجتماعی یا عدالت توزیعی است.

اجتماع‌گرایان اخلاق و ارزش‌های والای بشری را اساس برپایی یک جامعه سالم و غایت‌مند می‌دانند. موضوع عدالت و رابطه آن با اخلاق از مباحث محوری این دیدگاه است. متفکران جماعت‌گرا معتقدند هویت فرد در جامعه معنا پیدا می‌کند و مفاهیمی مانند خیر عمومی، مشارکت، عدالت، صلح و امثالهم در درون اجتماع سیاسی و بر اساس نهادهای آگاهی‌بخش مانند فرهنگ و سنت توسط شهروند فعال تعریف می‌شوند (چینی‌چیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۲). عدالت به عنوان بنیادی‌ترین مفهوم و آرمان سیاسی، امری برخاسته از ارزش‌های اخلاقی و زمینه‌های فرهنگی اجتماع است. از منظر مایکل والزر و سندل عدالت هویتی سیال و متکثر دارد. عدالت خیری است مقدم بر حق که بر اساس ارزش‌های فرهنگی و مذهبی جوامع و با فهم دیگری به وقوع می‌پیوندد (همان، ۱۴۸).

عدالت در اندیشه اسلامی، گرایش فطری بشر است و خداوند در آیات مختلف قرآن، بر اقامه عدل توسط همه انسان‌ها فرمان می‌دهد. عدالت شاخصه قدم برداشتن در حدود الهی است و این شاخص بر تمامی زوایای زندگی اجتماعی و فردی حاکم است؛ چرا که عدالت حد وسط بین افراط و تفریط و قرار گرفتن هر پدیده در جای

مناسب کیان و هستی خویش است (حکیمی، ۱۳۸۰: ۲). عدالت، پایه و اساس نظام سیاسی اسلام است. البته عدالت نهایی جامعه بشری در تمام ابعادش در زمان حضرت حجت محقق خواهد شد.

عدالت سیاسی

عدالت سیاسی، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مهم عدالت، دربرگیرنده مؤلفه‌های ذیل است:

۱- مشارکت سیاسی برابر

اولین شاخصه عدالت سیاسی، مشارکت سیاسی برابر است. مشارکت سیاسی روندی است که طی آن قدرت سیاسی میان افراد جامعه توزیع می‌گردد. مایکل راش مشارکت سیاسی را «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از داشتن مقام رسمی سیاسی تا عدم دخالت در امور سیاسی» تعریف می‌کند (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). مشارکت سیاسی سه شاخصه اصلی شامل حق انتخاب کردن، حق انتقاد و نظارت و آزادی اجتماعات و احزاب را در برمی‌گیرد. وجود این مقوله در جامعه باعث ایجاد حس اعتماد در مردم نسبت به ساختار سیاسی می‌شود. در اسلام حق انتخاب و مشارکت سیاسی تحت عنوان شوری مطرح شده است.

۲- گزینش سیاسی برابر

مراد از گزینش سیاسی برابر، حق برابر شهروندان در دستیابی به مناصب سیاسی است که درواقع حق انتخاب شدن نامیده می‌شود. انتخاب شدن بالاترین سطح فعالیت و تعامل سیاسی است و نیازمند بیشترین تعهد است. دستیابی به مقام سیاسی از طریق انتخاب در سطح محدودی از افراد وجود دارد. جدای از تمایل افراد برای مشارکت در سطوح بالای سیاست، قانون نیز محدودیت‌ها و شرایطی را برای کسب مقامات سیاسی وضع می‌کند (جمشیدی و درودی، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

۳- تحقق امنیت سیاسی برای همگان

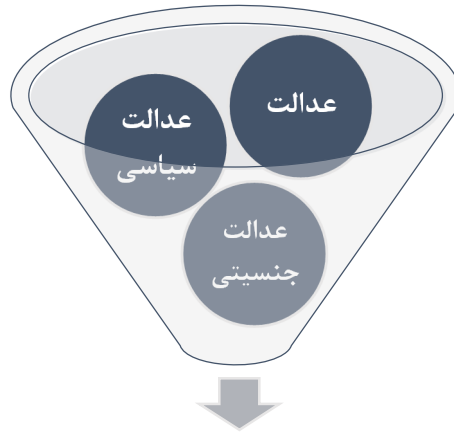
امنیت سیاسی زمانی محقق می‌شود که شهروندان یک جامعه به پایداری دولت به اصل بی‌طرفی اطمینان داشته باشند و به این نتیجه برسند که اقدامات و تصمیمات دولت عاری از تبعیض و در راستای حفظ منافع افراد جامعه است. زمانی که ضریب امنیت سیاسی در جامعه بالا رود به کارایی و مشروعیت سیستم سیاسی

یاری می‌رساند. مواردی از قبیل نگاه یکسان و برابر نظام سیاسی به افراد جامعه، قانون‌مداری و جلوگیری از تبعیض، شرکت دادن همه اقشار و سلیقه‌های گوناگون در اداره عمومی و همچنین توزیع برابر فرصت‌ها و درآمدها از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت سیاسی است (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۷۷-۱۷۸).

عدالت جنسیتی

واژه دیگر در عبارت عدالت سیاسی جنسیتی، مفهوم جنسیت و بازخورد سیاسی-اجتماعی آن است. عدالت جنسیتی به عدالت در نتایج زندگی (Life outcomes) برای مردان و زنان اشاره دارد. برای نخستین بار در قرن هجدهم، مطالبات زنان ذیل پاره‌ای بیانیه سیاسی درج شد؛ اما این جان استوارت میل بود که کتاب مفصلی با عنوان انقیاد زنان، در زمینه دفاع از حقوق زنان تألیف کرد. وی در این کتاب استدلال نمود نابرابری علیه زنان که یادگاری از دوران قدیم است، شاید زمانی درست بوده باشد، اما اکنون در دنیای مدرن دیگر جایی ندارد (میل، ۱۳۷۹: ۵۵).

در چارچوب عدالت جنسیتی، توانمند شدن یا توانمندسازی زنان در ابعاد خانوادگی/ میان فردی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی مطرح است که هر کدام مؤلفه‌های مربوط به خودشان را دارند. مؤلفه‌های سیاسی عدالت جنسیتی به‌عنوان اصول و مبانی برای برابری جنسیتی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شوند. این مؤلفه‌ها در جهت حفظ حقوق زنان و مردان، تضمین شرکت آن‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی و مقابله با تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسی به کار می‌روند.



عدالت سیاسی جنسیتی

شکل ۱: ابعاد عدالت سیاسی جنسیتی

با توجه به مطالب ذکر شده مهم‌ترین مؤلفه‌های عدالت سیاسی جنسیتی عبارت‌اند از:

• برابری ذاتی زن و مرد • حق رأی • نظارت و حق انتقاد • آزادی سیاسی	مشارکت سیاسی برابر برای زنان
• برابری قانونی • برابری هستی‌شناختی • برابری در تصدی مناصب سیاسی	گزینش سیاسی برابر برای زنان
• برابری در هنجارهای اجتماعی • برابری در معیارهای اکتسابی • برابری فرصت‌ها (برابری توزیعی)	تحقق امنیت سیاسی برای زنان

شکل ۱: مهم‌ترین مؤلفه‌های عدالت سیاسی جنسیتی

بر حسب چارچوب نظری و مفاهیم سه‌گانه ارائه شده، می‌توان نظام پرسش‌های عدالت جنسیتی را به شرح ذیل ارائه کرد و آن را راهنمای پژوهش قرار داد.

جدول ۱: نظام پرسش‌های عدالت سیاسی جنسیتی

مشارکت سیاسی	ذات انسان‌ها متفاوت یا برابر با یکدیگر آفریده می‌شود؟
	آیا زنان و مردان از حق رأی برابر برخوردارند؟
	حق نظارت و انتقاد از امور سیاسی برای هر دو جنس یکسان است؟
	در نظریه عدالت اسلامی، آزادی سیاسی برای زنان چگونه تفسیر می‌شود؟
گزینش سیاسی	در نظریه عدالت اسلامی، برابری قانونی میان زنان و مردان برقرار است؟
	نظریه عدالت اسلامی در خصوص تفاوت‌های هستی‌شناختی زنانگی و مردانگی چه رویکردی دارد؟ (برابری یا تناسب و تعادل)
	نظریه عدالت اسلامی در معیار اکتسابی، قائل به برابری در تصدی مناصب سیاسی (انتخاب‌شونده) است؟ (مناصب مشکک رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور، وزیر، نمایندگی مجلس، استاندار و ...).
	مصلح و هنجارهای اجتماعی مربوط به زنان و مردان برابر است، یا تفاوت‌هایی در مردانگی و زنانگی وجود دارد؟
امنیت سیاسی	نظریه عدالت اسلامی نابرابری و تبعیض موجه در ویژگی‌های اکتسابی را می‌پذیرد؟
	برابری فرصت‌ها و مسطح کردن زمین بازی برای افراد در نظریه عدالت اسلامی چگونه معنا می‌شود؟ (برابری توزیعی)
	در نظریه عدالت اسلامی، احساس عدالت سیاسی جنسیتی چه جایگاهی دارد؟

بحث: مؤلفه‌های عدالت سیاسی جنسیتی در اندیشه سیاسی امام خمینی «ره»

مشارکت سیاسی

۱) ذات انسان‌ها متفاوت یا برابر با یکدیگر در نظر گرفته می‌شود؟
از دیدگاه امام خمینی، مانند همه فقهای شیعه، جوهره انسان‌ها، چه زن و چه مرد، از بدو تولد برابر است. ایشان می‌گویند: «از نظر حقوق انسانی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد، زیرا هر دو انسان هستند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بلکه در برخی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها مربوط نمی‌شود» (خمینی، ۱۳۷۴: ۶۳). درواقع، اسلام با

مفهوم شیء بودن زن مخالفت کرده و شرافت و کرامت او را احیا کرده است. زن با مرد برابر است. زن مانند مرد در انتخاب سرنوشت و فعالیت‌های خود آزاد است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۱۰)؛ بنابراین امام برابری ذاتی و کرامت انسانی برابر زن و مرد را قبول دارد و معتقد است که هر دو باید از حقوق مساوی در زندگی و تصمیم‌گیری برخوردار باشند. این بیان به مفهوم برابری انسانی اشاره دارد و تأکید می‌کند که تفاوت‌های زن و مرد نباید منجر به نابرابری در حقوق و جایگاه انسانی آن‌ها شود.

امام خمینی برابری انسان‌ها را نه تنها به عنوان یک اصل دینی، بلکه به عنوان یک ضرورت اجتماعی مطرح می‌کند که بدون رعایت آن، جامعه نمی‌تواند به صلح و پیشرفت نائل آید: «... همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسان‌اند. او خالق همه است و همه بنده او. اصل بر برابری انسان‌هاست و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر اساس معیار تقوا و پاکی از انحراف و خطاست؛ بنابراین با هر چیزی که برابری جامعه را برهم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۸۸).

سخن امام دربرگیرنده چند نکته اساسی است. اولاً با اشاره به اینکه خداوند خالق همه انسان‌هاست، برابری ذاتی و فطری انسان‌ها را مطرح می‌کند. هیچ‌کس به طور ذاتی بر دیگری برتری ندارد و ویژگی‌های فردی نظیر قومیت، نژاد و... نباید موجب تمایز افراد شود. ثانیاً، برتری فردی تنها بر اساس تقوا و پاکی از انحرافات اخلاقی و اجتماعی است. این به این معنی است که ارزش واقعی انسان‌ها در رفتار و نگرش آن‌ها نسبت به یکدیگر و خداوند نهفته است. ثالثاً امام خمینی بر این نکته تأکید دارد که باید با هر چیزی که برابری را تهدید می‌کند، به‌ویژه با امتیازاتی که بی‌محتوا و پوچ به نظر می‌رسند، مبارزه کرد.

۲) آیا زنان و مردان از حق رأی برابر برخوردارند؟

حق انتخاب آزادانه و برابر افراد بدون در نظر گرفتن جنسیت و موقعیت و جایگاه آنان از مهم‌ترین وجوه عدالت سیاسی است. افراد در جهت رسیدن به خواسته‌هایشان با شرکت در احزاب و تشکل‌های سیاسی سعی می‌کنند فرد دلخواه خود را بر منصب قدرت بنشانند (میراحمدی و شیر، ۱۳۸۸: ۸۰). امام خمینی (ره) زنان را به کسب

صلاحیت‌های سیاسی و اجتماعی و مشارکت در مسائل دعوت می‌کند: «خواهرهایی که تاکنون داخل در مسائل روز نبودند، در مسائل داخل بشوند» (خمینی، ۱۳۷۴: ۷۱). در جای دیگر می‌گوید: «زن‌ها امروز باید همان‌طور که مردها... در مسائل واردند [تسلط و آگاهی دارند]، آن‌ها در مسائل وارد باشند و تعلیم و تعلم صحیح داشته باشند» (خمینی، ۱۳۷۴: ۷۳).

امام خمینی (ره) علاوه بر این که زن و مرد را در حیثیت انسانی برابر می‌داند در زمینه مسائل سیاسی-اجتماعی و بسیاری از عرصه‌ها نیز نقش یکسان و برابری را برای آن‌ها قائل است که در این قسمت به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. «رأی زنان و مردان در انتخابات برابر است و آنان همدوش مردان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کنند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ص ۴۰۳). مشارکت زنان نباید نمایشی باشد: «ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد، نه ملعبه شاه باشد، نه ملعبه در دست مردها باشد، نه در دست اراذل باشد. زنان باید در سرنوشت خودشان دخالت داشته باشند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۰۰).

امام (ره) به سیره عملی فاطمه زهرا و حضرت زینب (س) هم استناد می‌کند و مشارکت سیاسی زنان انقلابی را هم‌راستا با کردار ایشان می‌داند: «فردا روز زن است. روز زنی که همه عالم به او افتخار دارد، روز زنی است که دخترش در مقابل حکومت‌های جبار ایستاد و آن خطبه را خواند و آن حرف‌ها را زد که همه می‌دانید؛ روز زنی که در مقابل یک اجباری ایستاد-که اگر مردها نفس می‌کشیدند همه را می‌کشتند- و نترسید و محکوم کرد حکومت را، یزید را محکوم کرد... زن یک همچو تمامی باید داشته باشد. زنان عصر ما الحمدالله شبیه همان‌ها هستند. ایستادند در مقابل جبار با مشتهای گره کرده؛ بچه‌ها در آغوششان و به نهضت کمک کردند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۳۴۰).

بنابراین امام خمینی (ره) برخلاف اندیشمندان سنتی مخالف حضور زن در مسائل سیاسی، بر برابری حقوق و مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تأکید دارد و آنان را به کسب صلاحیت و نقش‌آفرینی فعال در سرنوشت جامعه ترغیب می‌کند که نشان‌دهنده نگاه عدالت‌محور و برابری‌طلبانه در نظام فکری ایشان

است: «زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد ... زن‌ها حق رأی دارند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۰۰).

۳) در دیدگاه امام خمینی حق نظارت و انتقاد در امور سیاسی برای دو جنس زن و مرد چگونه است؟

هدف از نظارت عمومی بر مقامات دولتی، محدود کردن قدرت آن‌ها و وادار کردن آن‌ها به عمل در چارچوب قانون است. هر فرد از افراد ملت حق دارد مستقیماً در برابر دیگران از حاکم مسلمانان سؤال و انتقاد کند و او باید پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهد، در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام حکومت معزول است (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۰۹). امام خمینی این حق را برای زنان نیز قائل است و حتی آن را یک تکلیف می‌داند.

امام خمینی (ره) با بیانی قاطع می‌فرماید: «این آزادی که الآن برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسندگان هست، این آزادی، آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شما هست. شما آزاد هستید بیایید بیرون، مطالبتان را بگویید؛ انتقاد از دولت؛ انتقاد از هر کس که پایش را کج گذاشت بکنید» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۱۸۸). ایشان در جای دیگر به همین مضمون اشاره می‌کند: «باید که همه زن‌ها و مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، هم اظهار نظر بکنند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۹۳). از نگاه امام خمینی (ره) همه افراد بدون تبعیض جنسیتی باید در مسائل سیاسی حضور فعال داشته باشند. عدالت سیاسی جنسیتی ایجاب می‌کند تا فرصت‌های برابر برای ورود به تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای نظارتی فراهم شود. نظارت همراه با آگاهی و تحلیل عملکرد نهادها، با بهبود سیاست‌ها همراه است.

۴) در نظریه امام خمینی آزادی سیاسی برای زنان چگونه تفسیر می‌شود؟
در این زمینه هم کلام و هم سیره عملی امام خمینی می‌تواند راهگشا باشد. ایشان می‌فرمایند: «این نهضت شما را آزاد کرد. الآن آزادانه در این جامعه هستید و آزادانه مسائل سیاسی و اجتماعی محل احتیاج ملت را مطرح می‌کنید. شما بانوان چند سال پیش از این نیستید. برادران چند سال پیش از این نیستند، شما امروز

خودتان در سرنوشت خود دخالت می‌کنید. خودتان مسائل سیاسی را مطرح می‌کنید و از دولت می‌خواهید. این معنای آزادی است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۸۴).

آزادی سیاسی زنان در نظر امام خمینی به معنای شرکت کنشگرانه و آزاد در مسائل اجتماعی و سیاسی، ابراز انتقاد و توانایی دخالت در سرنوشت خود و مطالبه حقوق از دولت است که از طریق رهاسازی ظرفیت‌های انسانی و برابری جنسیتی در این زمینه تحقق می‌یابد. این آزادی، فرصت برخورداری برابر آنان در عرصه‌های سیاسی و مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی را نشان می‌دهد: «شما امروز آزاد هستید. همه برادران و خواهران ما امروز آزادند و آزادانه انتقاد می‌کنند، از دولت انتقاد می‌کنند ... و تقاضا می‌کنند مسائلی اساسی را از دولت» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۳۸۴). این تجربه آزادی با دو نکته کلیدی پیوند می‌خورد: نخست، ورود فعال زنان و مردان به صحنه‌های تصمیم‌گیری و نقد دولت و دوم، مطالبه‌گری از دولت به‌عنوان بخشی از فرایند سیاست‌ورزی و پاسخگویی حکمرانان. چنین رویکردی نشان می‌دهد که آزادی سیاسی از منظر امام خمینی نه صرفاً آزادی بی‌قیدوشرط بیان است، بلکه تقویت ظرفیت‌های اجتماعی برای مشارکت مسئولانه و نظارت مؤثر بر کار دولت و نهادهای تصمیم‌ساز است.

گزینش سیاسی

۵) در نظریه عدالت اسلامی، برابری قانونی میان زنان و مردان برقرار است؟ امام خمینی (ره) بر اصل برابری قانونی میان زن و مرد تأکید دارد و معتقد است هر فرد فارغ از جنسیت، باید در مقابل قانون مساوی باشد و هیچ امتیازی بر دیگری نداشته باشد. وی بر اهمیت عدالت الهی و حکمرانی بر اساس قانون مطابق با عدالت اسلامی تأکید می‌کند و مخالف هر نوع امتیاز و تبعیض بی‌محتوا است، به‌گونه‌ای که در نظام اسلامی، عدالت و مساوات حقیقی برقرار باشد و ظلم در آن جای نداشته باشد: «از نظر حقوق انسانی، تفاوتی میان زن و مرد نیست؛ زیرا که هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله در برخی موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که با حیثیت انسانی آن‌ها مرتبط نیست. مسائلی که منافات با حیثیت و شرافت زن ندارد، آزاد است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۶۴).

با توجه به اصل برابری انسان‌ها در خلقت و در مقابل قانون، امام خمینی معتقداند: «با هر چیزی که برابری در جامعه را برهم می‌زند و امتیازات بی‌محتوا و پوچ را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۸۸). ایشان به دنبال برقراری عدالت اسلامی بودند. عدالتی که حتی راضی نمی‌شود به یک زن یهودی که در پناه اسلام قرار گرفته، تعدی صورت پذیرد. «ما همچو اسلامی که در آن هیچ ظلم نباشد، اسلامی که شخص اولش با آن فرد آخر همه در سواء در مقابل قانون باشند، می‌خواهیم. در اسلام آن چیزی که حکومت می‌کند، یک چیز است و آن قانون الهی... . قانونی که از روی عدالت الهی پیدا شده است ... فرقی ما بین افراد نیست در قانون اسلام. فرقی ما بین گروه‌ها نیست» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۴۲۴).

۶) نظریه عدالت اسلامی در خصوص تفاوت‌های هستی‌شناختی زنانگی و مردانگی چه رویکردی دارد؟ (برابری یا تناسب و تعادل)

همه انسان‌ها صرف‌نظر از جنسیت به لحاظ ذاتی دارای حقوق و کرامت برابر هستند. این مفهوم برابری ذاتی در انسان بودن، به معنای آن است که زن و مرد هر دو باید از حقوق انسانی یکسان و مساوی برخوردار باشند. این نقطه نظر می‌تواند به‌عنوان عدالت به‌مثابه برابری تعریف شود، زیرا در این سطح هیچ تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و هر دو از ارزش یکسانی برخوردارند. «از نظر حقوق انسانی، تفاوتی میان زن و مرد نیست؛ زیرا که هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. ...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۶۴).

اما زمانی که به اختلافات هستی‌شناختی زنانگی و مردانگی نگریسته می‌شود، امام خمینی (ره) به وجود تفاوت‌های طبیعی و اجتماعی میان این دو جنس توجه دارد. در این زمینه، او بر عدالت به‌مثابه تناسب و تعادل تأکید دارد. به این معنا که حقوق و مسئولیت‌های هر جنس باید متناسب با ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص خود تعریف شود. به طور مثال، برخی احکام شرعی و اجتماعی که به زنان اختصاص دارند، در راستای احترام به ویژگی‌ها و عواطف خاص آن‌ها است، در حالی که حقوق و وظایف مردان نیز بر اساس ویژگی‌های خود آنان تعیین شده است. این دو جنبه از نظریه عدالت اسلامی امام خمینی، تأکیدی بر اهمیت درک وضعیت‌های انسانی در تمامیت و هم‌زمانی با ویژگی‌های خاص هر جنس دارد.

۷) نظریه عدالت اسلامی در معیار اکتسابی، قائل به برابری در تصدی مناصب سیاسی (انتخاب‌شونده) است؟ (مناصب مشکک رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور، وزیر، نمایندگی مجلس، استاندار و ...).

برابری در تصدی مناصب سیاسی به این معناست که هر شهروند، صرف‌نظر از جنسیتش به‌تنهایی یا در کنار دیگران و به‌عنوان عضوی از یک گروه یا تجمع، برای در دست گرفتن حکومت از طریق تشکیل قوای مجریه و مقننه بکوشد و یا برای اشغال یکی از مناصب بالای حکومتی در بخش اجرایی یا قانون‌گذاری بتواند برنامه‌ریزی کند. امام خمینی (ره) احراز موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی را برای زنان لازم می‌داند و در این خصوص می‌فرماید: «در اسلام زن مثل مرد در همه شئون -همان‌طوری که مرد در همه شئون- دخالت دارد، زن هم دخالت دارد... زن‌ها اختیار دارند؛ همان‌طوری که مردها اختیار دارند. خداوند شما را با کرامت خلق کرده است. آزاد خلق کرده است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۰۱-۳۰۰).

خداوند زن را در مقابل حوادث جامعه خنثی و بی‌طرف قرار نداده است. لذا امام خمینی (ره) می‌گوید: «زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آن‌ها از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردار هستند. در مبارزات اخیر ایران، زنان نیز سهمی چون مردان دارند» (خمینی، ۱۳۶۶: ۱۴۸). حتی همان حقوق سیاسی را دارند که مرد دارد: «... در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد... اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد. اسلام خواسته که زن ملعبه دست مرد نباشد. اینکه در خارج منعکس کرده‌اند که در اسلام با خشونت با زنان رفتار می‌شود، امر غیر صحیحی است و تبلیغات باطلی است که از معرضین حاصل شده و الا مرد و زن هر دوی‌شان در اسلام اختیارات دارند. اگر اختلافی هست برای هر دو هست و مربوط به طبیعت آنان است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۸۸). تکرار و تأکید امام خمینی (ره) بر امر حق رأی گرفتن [بنگرید به صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۹ و ج ۸، ص ۳۸۴ و ...] نشان می‌دهد فعالیت پیرومنشانه زنان در امور سیاسی مدنظر ایشان نیست، بلکه فعالیت کنشگرانه همراه با آگاهی را به زنان توصیه می‌کنند.

فرمان امام (ره) مؤید پذیرش مسئولیت سیاسی بانوان است. ایشان حتی بالاتر از آن، این مسئله را یک تکلیف بر زن و مرد مسلمان می‌داند و چنین می‌فرماید: «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیفشان است... دین اسلام یک دین سیاسی است. یک دینی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۱۵). با این بیان مشخص می‌شود که امام دخالت در مقدرات اساسی مملکت و به تبع آن در اراده حکومت را بالاترین مصلحت می‌دانند؛ اما حال این پرسش مطرح می‌شود که دخالت زنان در مقدرات اساسی مملکت در چه محدوده‌ای امکان‌پذیر است؟ واضح است که منظور از جواز زمامداری و حاکمیت زنان، حاکمیت ولایی و مطلق نیست. چرا که چنین حاکمیتی با حکم الهی و نبوی صورت می‌گیرد؛ بلکه حاکمیت در چارچوب قانون و با انتخاب آرای مردم است. قرآن نمونه ولای این نوع حکومت را در داستان ملکه سبا ارائه می‌کند. اعتماد مردم به ملکه بلقیس و اتکای او به روش شورایی در سیستم حکومتی، اتخاذ سیاست صلح آگاهانه به جای جنگ کینه‌توزانه و همچنین نادیده گرفتن تکبر شاهانه در برابر دعوت دینی حضرت سلیمان (گرجی، ۱۳۷۲: ۹) دلیلی بر توانایی طبیعی زنان بر زمامداری و مدیریت به معنای عام آن است.

امام خمینی (ره) با جایز دانستن این موضوع که زنان می‌توانند در مجلس و وزارتخانه‌ها نیز نقش مدیریتی و اجرایی را بپذیرند و یا این‌که به‌عنوان یک شهروند فعال نقش نظارتی بر کار مجلس و دولت داشته باشند، حضور زنان را در امر حکومت‌داری و اداره جامعه می‌پذیرد، از طرف دیگر از دیدگاه ایشان زن‌ها هم می‌توانند به‌عنوان نماینده مجلس حاضر شوند و از سوی امام ممنوعیتی دیده نمی‌شود. زمانی که ایشان ولی‌فقیه بودند، زنان در مجلس شورای اسلامی حضور داشتند و به‌عنوان وکیل مردم در رابطه با مسائل اساسی مملکت در امر تصمیم‌گیری جامعه مدنی شرکت داشتند. علاوه بر این‌ها هیچ متن مستندی از اینکه امام حتی مخالف ریاست جمهوری زنان باشد، وجود ندارد. تنها ملاک برای ایشان حفظ موازین شرعی و لطمه نخوردن به شرافت زنان است: «در وزارتخانه‌های اسلامی زن‌ها نباید لخت بیایند، زن‌ها بروند اما با حجاب باشند، هیچ مانعی ندارد بروند اما کار نکنند لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند» (خمینی، صحیفه نور، ج

۵: (۱۵۰). هم‌چنین در خصوص حضور زنان در مجلس هم می‌گویند: «زنها در جامعه اسلامی آزاد هستند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ‌وجه جلوگیری نمی‌شود» (خمینی، ۱۳۶۶: ۱۴۷)؛ بنابراین، زن دارای اختیار و احترام است و می‌تواند موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی را اشغال کند و از مزایا و اقتدار مربوط به آن برخوردار باشد. این نهادها به‌منزله تکمیل حقوق شهروندی زنان باید با سازوکارهای قانونی و فرهنگی نظارت و پشتیبانی شوند تا هم عدالت جنسیتی و هم حفظ ارزش‌های اخلاقی دینی تأمین گردد.

امنیت سیاسی

۸) مصالح و هنجارهای اجتماعی مربوط به زنان و مردان برابر است، یا تفاوت‌هایی در مردانگی و زنانگی وجود دارد؟

امام خمینی (ره) معتقد است که اغلب مقررات و هنجارهای اجتماعی ناشی از دین اسلام برای زن و مرد یکسان است زیرا در اصل زنان و مردان انسان و یکسان هستند و در برخی موارد خاص تفاوتی در هنجارهای مربوط به زن و مرد وجود دارد که مبنا و ریشه آن‌ها نیز یکسان است. با این توضیح که مقررات اسلامی برای تأمین مصالح است و در برخی موارد پیشگیری از مفاسد و تأمین مصالح مستلزم ایجاد مقرراتی برای زنان یا مردان به طور خاص است: «... برای زن ابعاد مختلفی است؛ چنانچه برای مرد و برای انسان. این صورت طبیعی نازل‌ترین مرتبه انسان است. نازل‌ترین مرتبه زن و نازل‌ترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۳۳۸-۳۳۷).

با توجه به تفاوت‌های بیولوژیکی بین زن و مرد، لازم است در فرآیند قانون‌گذاری این تفاوت‌ها مدنظر قرار گیرد. امام می‌فرمایند: «برای همه یک محدودیت‌هایی هست، محدودیت‌هایی شرعی و الهی، محدودیت‌هایی است که به صلاح خود جامعه است» (خمینی، ۱۳۷۴: ۶۱). درواقع «قوانین اسلام همه به صلاح زن و مرد است.» (خمینی، ۱۳۷۴: ۶۱). امام خمینی (ره) وجود عواطف در زن را از اختصاصات زنان معرفی می‌کنند: «عواطفی که در بانوان هست مخصوص خودشان و در مردها این عواطف نیست... آن چیزی که در پشت جبهه از روی عواطف از بانوان صادر می‌شود، ارزنده‌تر از آن چیزی است که از مردها صادر می‌شود» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۴).

۲۳۰) زن و مرد هر کدام احکام اختصاصی خود را نیز دارند یعنی زن احکامی دارد که مختص جنس خود اوست و مرد هم احکامی دارد که مختص جنس خودش است. بنابراین امام تساوی حقوق زن و مرد را در همه جهات نمی‌پذیرد و هر جا که احکام ضروری اسلام حکم خاصی مختص مردان دارد، با اعطای آن حکم به زنان مخالفت می‌کند: «تساوی حقوق من جمیع الجهات پایمال کردن چند حکم ضروری اسلام است. نفی کردن چند حکم صریح قرآن است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۰). یا در جایی دیگر می‌فرماید: «دولت، مذهب رسمی کشور را ملعبه خود قرار داده و در کنفرانس‌ها اجازه می‌دهد گفته شود: قدم‌هایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده، در صورتی که هرکس به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل این‌ها که جزء احکام ضروری اسلام است، معتقد شد و لغو نماید، اسلام تکلیفش را روشن کرده است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۸)؛ بنابراین از نگاه امام خمینی (ره) هنجارهای اجتماعی نمی‌توانند به طور کامل برای هر دو جنس یکسان باشند، زیرا نیازها و خصایص آن‌ها متفاوت است.

۹) نظر امام خمینی (ره) در باب نابرابری و تبعیض موجه در ویژگی‌های اکتسابی چیست؟

با توجه به مستنداتی که در پاسخ پرسش‌های قبلی ذکر شد نظریه عدالت اسلامی امام (ره) را می‌توان به دو جنبه متفاوت تقسیم کرد: ذاتیات انسان‌ها و اکتسابی‌ها. این دو جنبه به صورت زیر تعریف می‌شوند.

۱. عدالت در ذاتیات انسان‌ها

همان‌گونه که اشاره شد، امام خمینی (ره) به برابری ذاتی همه انسان‌ها تأکید دارد. او معتقد است که هر انسانی (صرف‌نظر از جنسیت، نژاد یا شرایط اجتماع) دارای ارزش و کرامت ذاتی است. این بدان معناست که همه انسان‌ها از یک نظر برابرند و حق و حقوق انسانی آن‌ها نمی‌تواند نادیده گرفته شود. به عبارتی، عدالت به‌مثابه برابری در اینجا به رسمیت شناخته می‌شود.

۲. عدالت در اکتسابی‌ها

اما در مورد اکتسابی‌ها، به‌ویژه در زمینه‌های حقوق و وظایف خاص هر جنس، امام خمینی نظری متفاوت دارد. ایشان به وجود تفاوت‌های طبیعی و ذاتی بین زنان

و مردان و حقوق و مسئولیت‌های ویژه آن‌ها اشاره می‌کند. این تفاوت‌ها می‌تواند به نابرابری در برخی حقوق و وظایف منجر شود. مثلاً، یک زن می‌تواند از مرخصی زایمان استفاده کند و یا نوع پوشش زنان با مردان متفاوت است؛ اما این به معنای نادیده گرفتن حقوق اشخاص نیست. بدون شک، بسیاری از صلاحیت‌ها قابل اکتساب هستند و فرد تا زمانی که آن‌ها را به دست نیاورد، نمی‌تواند به طور مرسوم به موقعیت‌های اجتماعی مرتبط با آن دست یابد. از آنجا که کسب این صلاحیت‌ها و برخورداری از نتیجه‌شان برای مقایسه زن و مرد از دید جامعه‌شناختی اهمیت دارد، باید وضعیت زنان در فرآیند کسب این صلاحیت‌ها را بررسی کرد. امام خمینی (ره) اسلام را دینی می‌داند که توجه ویژه‌ای به ترقی زنان دارد: «اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود» (خمینی، ۱۳۷۴: ۵۵). اسلام اساساً در پی احقاق حقوق زنان است و از این حیث بر بسیاری از جنبش‌ها و ایدئولوژی‌ها که امروزه افتخار «اثبات حقوق زن» را تحت عنوان «فمینیسم» برای خود قائل هستند، مقدم است: «این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شد مثلاً دیگر زن‌ها باید بروند توی خانه‌ها بنشینند و بیرون نیایند، این حرف غلطی است که به اسلام نسبت می‌دهند. در صدر اسلام زن‌ها توی لشکرها هم بودند، توی میدان جنگ هم می‌رفتند. اسلام با دانشگاه مخالف نیست... اسلام دستشان {زنان} را گرفته آورده و در قبال مردها نگه داشته، در صورتی که در زمانی که پیغمبر اسلام (ص) آمد، زن‌ها را هیچ حساب می‌کردند. اسلام زن‌ها را قدرت داده است. اسلام زن‌ها را در مقابل مرد قرار داده است، نسبت به آن‌ها تساوی دارند» (خمینی، ۱۳۶۶: ۱۴۳)؛ بنابراین پشتیبانی از ظرفیت‌های زنان در عرصه‌های کاری، آموزشی و سیاسی از منظر دینی، به شرط حفظ ارزش‌های اخلاقی و عدالت اجتماعی مشروع است.

نتیجه این دیدگاه، آن است که اشخاص بر اساس عملکرد و نتیجه کار خود پاداش بگیرند و در این فرایند، تفاوت‌های طبیعی یا اجتماعی باید با سازوکارهای قانونی و فرهنگی هدایت شوند تا از تبعیض ناموجه جلوگیری شود. همان‌گونه که امام تصریح می‌کند: «تشیع نه‌تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد» (خمینی، ۱۳۶۶: ۱۴۳).

۵۶). این رویکرد می‌تواند به طراحی سیاست‌های کارآمد منجر شود که فرصت‌های آموزشی، اشتغال و مشارکت سیاسی را با سازوکارهایی شفاف و پاسخگو برای هر دو جنس ایجاد کند و درعین‌حال تفاوت‌های اکتسابی را به‌گونه‌ای مدیریت کند که منجر به رشد و رفاه همگان گردد.

۱۰) برابری فرصت‌ها و مسطح کردن زمین بازی برای افراد در نظریه عدالت اسلامی چگونه معنا می‌شود؟ (برابری توزیعی)

امام خمینی (ره) بر برابری فرصت‌های زنان در تمامی عرصه‌ها تأکید دارد و معتقد است که اسلام نه تنها مانع فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی زنان نیست، بلکه آنان را در تمامی حوزه‌ها آزاد و مشارکت‌جو می‌داند؛ به‌گونه‌ای که زنان در کنار مردان در دانشگاه‌ها، ادارات و فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی نقش فعال دارند: «خیال می‌کنند اسلام آمده فقط زن را خانه‌نشین کند؛ چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن او مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی را انجام دهد؟ چرا ما با مسافرت کردن زن مخالفت کنیم؟ زنان چون مردان در تمام این‌ها آزاد هستند؛ زن هرگز با مرد فرقی ندارد. آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد» (خمینی، ۱۳۷۴: ۸۵). اسلام نظر خاصی بر بانوان دارد. «اسلام وقتی که ظهور کرد در جزیره‌العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند، اسلام آن‌ها را سربلند و سرافراز کرد، آن‌ها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که به مردان دارد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۲۹)؛ بنابراین نه تنها زنان در عرصه اجتماع و سیاست حق فعالیت دارند، بلکه در نظر ایشان فعالیت‌های سیاسی زنان در قیاس با مردان از اعتبار بیشتری نیز برخوردار است: «پیش‌قدم شدن شما در همه مسائل... اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند، مردها قوی‌تر بشوند» (همان، ج ۲۰: ۸). از این رو، وجود فرصت‌ها و امکانات لازم برای توانمندسازی زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و رفع هرگونه تبعیض ضرورت می‌یابد.

امام خمینی (ره) بر حضور زنان در همه عرصه‌ها تأکید دارند: «بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند، چه فعالیت‌های فرهنگی و چه اقتصادی؛ قشر کثیری از آن‌ها در کشاورزی دخالت دارند و قشر کثیری از آن‌ها در صنعت دخالت دارند و قشر

کثیری در فرهنگ، علم، ادب و هنر» (خمینی، ۱۳۷۴: ۸۲). «اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند، اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود» (خمینی، ۱۳۷۴: ۵۵).

نظریه عدالت اسلامی امام خمینی (ره) به‌عنوان یک نظریه جامع و متعالی در راستای برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه مورد توجه قرار گرفته است. یکی از اصول اساسی این نظریه، تأکید بر برابری انسانی و فرصت‌ها برای همه افراد است، بدون توجه به جنسیت، نژاد، یا هر عامل دیگری: «اسلام به شما آن قدر احترام قائل است که برای مردها نیست. اسلام شما را می‌خواهد نجات بدهد... می‌خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۵۸).

امام خمینی بر این باور است که تمامی افراد، اعم از مردان و زنان، باید از فرصت‌های برابر برای رشد و اکتساب بهره‌مند باشند. این به معنای «مسطح کردن زمین بازی» برای همه افراد است که در آن هیچ‌کس به خاطر ویژگی‌هایی مثل جنسیت یا وضعیت اقتصادی از دسترسی به فرصت‌های برابر محروم نگردد. حتی از نظر ایشان در دین اسلام به زنان توجه بیشتری نیز شده است: «اسلام زن‌ها را بیشتر حقوقشان را ملاحظه کرده است تا مردها... زن‌ها حق رأی دارند... حق انتخاب شدن دارند. تمام معاملاتشان به اختیار خودشان است و آزاد هستند، انتخاب شغل را آزاد هستند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۳۷)؛ بنابراین برابری فرصت‌ها در اسلام به معنای آزادی فعالیت و توسعه فردی است، نه محدودیت و حصر آن‌ها در نقش‌های سنتی. واژه‌های «قشر کثیری از بانوان»، «نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود»، «آزادی» و «حق رأی» به‌گونه‌ای تکراری و برجسته به حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف اشاره می‌کنند و به‌وضوح از گستردگی نقش آنان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی سخن می‌گویند. این واژه‌ها با ظرفیت‌دهی به زنان و حضور همه‌جانبه آنان همسو است و از منظر تحلیل محتوا نشان می‌دهد که زنان در نظر امام (ره) نه فقط به‌عنوان گروهی اجتماعی بلکه به‌عنوان نیروی مولد و مؤلفه توسعه محسوب می‌شوند.

(۱۱) در نظریه عدالت اسلامی، احساس عدالت سیاسی جنسیتی چه جایگاهی دارد؟

امام خمینی که خود شاهد برداشت‌های متحجرانه از جایگاه زن به‌عنوان عیال محبوس در اندرونی یا ضعیفه از یکسو و زن از خود بیگانه غرق در ابتذال و ملعبه در دست شاه از سوی دیگر بود، با تأمل و تفکر عمیق در میراث گران‌بهای سنت نبوی و آموزه‌های ائمه اطهار (ع) توانست به چنان درک درستی از نقش و مسئولیت زنان برسد که تجلی و ظهور آن را در احیای هویت زن مسلمان در جوامع امروزی شاهد هستیم (هدایت زاده، ۱۳۸۹: ۳). این تلقی نوین، زنان را آن‌چنان درگیر صحنه سیاسی کرد که انقلاب ایران از سوی خبرگزاری‌ها و تحلیل‌گران، انقلاب چادرها لقب گرفت.

امام خمینی (ره) اذعان می‌دارد: «... تشیع نه‌تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۰۸-۵۰۷). یا در جایی دیگر اشاره می‌کند: «مردها در دامن شما بزرگ شدند، شما تربیت‌کننده مردها هستند. قدر خودتان را بدانید، اسلام قدر شما را می‌داند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۵۸). تحلیل این متن گواه بر این مطلب است که حضور زنان در امور اجتماعی و تربیتی، از دیدگاه اسلام و تشیع، نه‌تنها مهم بلکه نقش‌آفرینی آن‌ها در تربیت نسل‌های آینده و توسعه سیاسی-اجتماعی اساسی است. امام بر جایگاه والا و مسئولیت زنان در تربیت مردان و جامعه تأکید دارد و معتقد است که زنان در تاریخ و فرهنگ اسلامی نقش کلیدی دارند، بنابراین حضور فعال آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی باید محترم شمرده شده و ارزش‌گذاری شود: «در دامن شما مردان و بانوان بزرگ تربیت می‌شود. شماها عزیز ملت هستید؛ پشتوانه ملت هستید... دامن شما یک مدرسه‌ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت بشوند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۵۲۱). این نشانگر وجود یک فضای سیاسی-اجتماعی است که اعتبار و ارزش زنانه را در سطوح خانوادگی و عمومی به رسمیت می‌شناسد.

در اندیشه امام خمینی (ره)، مشارکت زنان در امور سیاسی، در راستای ایفای نقش تربیتی، فرهنگی و اجتماعی مهم است و بر نیاز جامعه به عزم و مسئولیت‌پذیری زنان در تحقق اهداف کلان نظام اسلامی تأکید می‌شود: «ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیشبرد مقاصد اسلامی هست، آسیب نخواهد دید» (خمینی، ۱۳۷۸، ج

۱۳: ۱۲۸). دیدگاه امام خمینی (ره)، اعتقاد به احساس عدالت سیاسی جنسیتی را در قالب احترام، تقدیر و مشارکت فعال زنان در وظایف اجتماعی و ملی به صورتی عادلانه و ارزشمند بیان می‌کند. او زنان را محور تربیت نسل‌های آینده و نقش‌آفرینان قوی در میدان‌های حساس می‌داند که باعث تقویت و پایداری جامعه می‌شود، بنابراین احساس عدالت در دیدگاه ایشان بر تساوی و احترام متقابل و نه بر برابری صرف حقوق قانونی بدون توجه به نقش‌های اجتماعی و تربیتی زنان استوار است.

زن در کانون خانواده

سیره عملی و فرمایشات رهبر کبیر انقلاب، می‌تواند راهنمای عملی نسلی باشد که به جایگاه حقیقی زن در اجتماع و سیاست می‌اندیشند؛ کسانی که از تحقیرها و محدودیت‌های سنتی که در کشورهای مدعی اسلام‌مداری به نام شریعت بر زنان اعمال می‌شود، منزع‌جند و درعین‌حال مواضع افراطی مدافعان برابری حقوق زن و مرد که حتی تمایزات طبیعی میان آنان را انکار می‌کنند و عملاً در مسیر انحلال کانون خانواده گام برمی‌دارند، روح حقیقت‌طلبشان را ناکام می‌گذارد. در اندیشه امام خمینی (ره)، زن مربی انسان و مظهر تحقق آمال بشر است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. اگر زنان شجاع انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند (هدایت‌زاده، ۱۳۸۹: ۴). به این ترتیب از دیدگاه امام، زن به طور غیرمستقیم بر پایداری و دوام جامعه مؤثر است: «مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها بیشتر حق دارند؛ زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۰۰).

زنان کانون خانواده هستند. امام در کنار دعوت زنان به مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی، آنان را تشویق به احراز موقعیت مادری می‌کنند: «مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند... زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۳۳۹). بر این اساس نقش سیاسی زنان در خانواده نه تنها محدود به وظایف تربیتی و اجتماعی نیست، بلکه بخشی از وظایف بزرگ‌تری است که شامل تربیت انسان‌های صالح و شخصیت‌ساز است. آنان علاوه بر

مشارکت مستقیم، با تربیت صحیح کودکان و نقش فعال در دفاع، پشتیبانی و پایداری جامعه، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نقش‌آفرینی غیرمستقیم نیز دارند. مطابق این رویکرد جایگاه زنان در نقش‌های تربیتی و خانوادگی، نقش اساسی و راهبردی در سیاست و استحکام نظام اسلامی دارد: «شماها به اسلام خدمت کردید... شماها مردان و زنان شیر در ایران تربیت می‌کنید... شماها موظف هستید که اولاً خودتان را خوب تربیت کنید، اسلامی تربیت کنید، انسانی تربیت کنید، مجاهد تربیت کنید. ما با مجاهده شما و همه طبقات، این نهضت را تا اینجا پیش بردیم و جمهوری اسلامی را اعلام کردیم» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۵۰۱). زن‌ها زمانی می‌توانند خوب تربیت شوند و خوب تربیت کنند که آگاهی بالایی در همه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشند.

امام خمینی جایگاه ویژه‌ای برای مادر خانواده قائل است و رضای خداوند را در رضای مادر می‌داند: «اینکه در حدیث آمده بهشت زیر قدم‌های مادران است، یک حقیقت است و این‌که با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است» (مرتضوی، ۱۳۷۸: ۷۹). علاوه بر سخنان امام، برای درک بهتر جایگاه زن در اندیشه ایشان باید به سیره عملی امام نیز توجه کرد. ایشان انجام کارهای منزل را وظیفه زن نمی‌دانستند. به‌عنوان مثال از قول همسرشان آمده است: «امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و خیلی اهمیت می‌دادند، یعنی یک حرف بد یا زشت به من نمی‌زدند ... حتی حاضر نبودند من در خانه کار کنم. همیشه به من می‌گفتند جارو نکن... یا تو نباید لباس بشویی» (رجایی، ۱۳۷۸: ۸۴).

یکی دیگر از رفتارهای با اهمیت امام خمینی (ره) در خانه، احترام زیاد ایشان به همسرشان می‌باشد. ایشان می‌دانستند که اگر مقام و منزلت زن در خانواده حفظ شود، از آنجایی که زن کانون محبت است، دوام و پایداری خانواده تضمین می‌گردد: «احترامی که امام به خانم می‌گذاشتند بسیار زیاد بود. در طول زندگی شصت سالشان یک‌بار ما ندیدیم که خود امام به خانم بگویند یک چای به من بدهید» (رجایی، ۱۳۷۸: ۸۶). امام حتی مدیریت داخلی منزل را به همسرشان سپرده بودند و خودشان نقش نظارتی داشتند: «امام نسبت به مسائل منزل مادرمان را مختار تام معرفی می‌کردند و این را خود آقا می‌خواستند که این‌طور باشد» (رجایی، ۱۳۷۸: ۸۳). بنا

بر متون مورد اشاره، امام خمینی (ره) تربیت فرزندان و مدیریت امور خانه را به عنوان کار اصلی زنان معرفی می کند و معتقدند که برای تضمین زندگی سیاسی فرزندان، زنان باید به آگاهی و تسلط بر امور سیاسی و اجتماعی دست یابند.

نتیجه

دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص عدالت سیاسی جنسیتی با محوریت زنانگی خانواده محور قابل درک است. زن در دیدگاه امام، با مرد در سرشت انسانی و سیر تکاملی تفاوتی ندارد. زن و مرد در عرصه های اصلی کمال، سعادت، پاداش الهی، مقامات اخروی و تقرب به خدا برابرند، اما در برخی عرصه های فرعی زندگی بر اساس عدالت الهی تفاوت هایی دارند که با هدف توازن در نظام خلقت وجود آن ضروری است. از همین رو از نظر امام خمینی، عدالت به معنای یکسان عمل کردن نسبت به زنان و مردان نیست، بلکه به معنای عدالتی است که حقوق و مسئولیت ها را به گونه ای توزیع می کند که با ویژگی های جنسیتی و نقش های اجتماعی هم سو باشد. از دیدگاه امام، جنسیت نباید مانع کمال و پویایی انسان شود؛ بلکه تفاوت های طبیعی می تواند مبنای تعیین حقوق و وظایف متناسب با هر جنس گردد تا توازن و کارایی پدید آید. در اندیشه امام خمینی (ره)، مشارکت سیاسی زنان در راستای تربیت، فرهنگ سازی و ایفای نقش اجتماعی-سیاسی مطلوب تبیین می شود. این حضور باید به تقویت بنیان های عادلانه حکمرانی و تحقق مطلوب اهداف کلان نظام اسلامی منجر گردد. تحرک سیاسی زنان، به ویژه در ابعاد تربیتی و فرهنگی، می تواند نقش مؤثرتری نسبت به حرکت مردان در برخی زمینه ها داشته باشد و در ایجاد تغییرات بنیادین سهم آفرین باشد؛ لذا زنان علاوه بر انسان سازی، باید مسئولیت خود در ایجاد حکومت عدل و قسط را نیز ایفا کنند. مشارکت سیاسی زنان از منظر دین و فرهنگ، یک ضرورت است و فضای سیاسی و ایدئولوژیک کشور در ورود آنان به عرصه عمومی و سیاسی تأثیر ویژه دارد. مشارکت سیاسی زنان باید با آگاهی و کارآمدی همراه باشد تا به بهبود واقعی سیستم سیاسی منجر شود. صرف مشارکت پیرومنشانه بی فایده است. در نتیجه، برای تحقق عدالت سیاسی جنسیتی، فراهم سازی زمینه ها و زیرساخت های مشارکت فعالانه زنان لازم و جزء حکمرانی مطلوب است. بدین سان، پیشنهاد می شود پژوهش هایی در این خصوص انجام گیرد تا مشخص شود که چه

سازوکارهای سیاست‌گذاری مربوط به خانواده، اشتغال و فراغت می‌تواند با تفاوت‌های طبیعی زنان و مردان همسو شود تا عدالت اجتماعی-سیاسی تکوین یابد.

فهرست منابع

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۱)، عدالت در نظام سیاسی اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۱)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، سیاست به مثابه صراط، تهران: سمت.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۵)، تاریخ اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی در قرن بیستم: اندیشه‌های فردریش هایک، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۴-۱۰۳، ۱۶-۲۳.
- جمشیدی، محمدحسین و درودی، مسعود. (۱۳۸۹)، مفهوم و شاخصه‌های عدالت سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) با تأکید بر نظریه عدالت سیاسی راولز، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۷(۲۲)، ۱۷۹-۲۰۴.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۰)، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی، شهید صدر، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- چینی‌چیان، نیلوفر، صلاحی، ملک یحیی، زیباکلام، صادق و طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۹۷)، بررسی رابطه عدالت و صلح با سیاست ورزی فضیلت‌مند مطالعه موردی: اسلام و جماعت‌گرایی، نشریه پژوهش‌های سیاسی و بین‌الملل، شماره ۳۵، ۱۵۹-۱۲۵.
- حکیمی، محمد. (۱۳۸۰)، امام علی (ع)، عدل و تعادل، کتاب نقد، شماره ۱۹، ۱۱۵-۶۸.
- خراسانی، رضا و احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۷)، تأملی نظری در مفهوم عدالت جنسیتی، قیاسات، ۲۳(۹۰)، ۱۷۱-۱۹۸.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۶)، سیمای زن در کلام امام خمینی، تهران: اداره کل انتشارات و تبلیغات (واحد خواهران).
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۴)، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸)، صحیفه امام، نامه‌ها، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۲)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- راش، مایکل. (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منصور صیوری، تهران: سمت.
- راولز، جان. (۱۳۸۳)، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- رجایی، غلامعلی. (۱۳۷۸)، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- سالیوان، راجر. (۱۳۸۰)، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات طرح نو.
- صفره، حسین و معارف، مجید و پهلوان، منصور. (۱۳۸۹)، استنطاق در قرآن، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۱، ۱۶۴-۱۳۹.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، جلد یکم، تهران: نشر نی.
- عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۸)، عدالت جنسیتی، مرز تعامل جنسیت و سیاست، مطالعات راهبردی زنان، ۱۲(۴۶)، ۲۶۸-۲۲۵.
- عنایت، حمید. (۱۳۷۷)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران: نشر زمستان.
- عیوضلو، حسین. (۱۳۷۹)، «بررسی و تحلیل امکان سازگاری معیارهای عدالت و کارایی در نظام اقتصاد اسلامی»، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- فاستر، مایکل. (۱۳۶۱)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه محمدجواد شیخ‌الاسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قادری، حاتم. (۱۳۹۴)، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران: سمت.
- کاظمی، سید حسین، سلیمی، ناهید، صادقی فسا، سهیلا و شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان، چارچوبی برای شناسایی ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری عدالت جنسیتی در ایران. مطالعات جنسیت و خانواده، ۷(۲)، ۶۱-۱۰۰.
- گرجی، منیره. (۱۳۷۲)، زن و زمامداری؛ نگاهی به حکومت ملکه سبا در قرآن، مجله فرزانه، شماره ۲ و ۳.
- لاریجانی، صادق و کریم زاده، رحمت‌الله. (۱۳۸۲)، لیبرالیسم؛ حقوق و عدالت، الهیات و حقوق، شماره ۷ و ۸، ۲۷۲-۲۴۱.

- مرتضوی، سید ضیاء. (۱۳۷۸)، امام خمینی و الگوهای دین‌شناختی در مسائل زنان، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسوی، جمال‌الدین. (۱۳۸۰)، عدالت اجتماعی در اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه.
- میراحمدی، منصور و شیرازی، اکرم. (۱۳۸۸)، عدالت سیاسی در گفتمان اسلام فقهاتی، مجله علوم سیاسی، شماره ۴۸، ۹۰-۶۳.
- میروسی نیک، صادق. (۱۳۹۴)، توسعه انسانی و عدالت جنسیتی در رویکرد قابلیت آماریاسن، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۲۸، ۷۲-۴۷.
- هدایت‌زاده، فرهاد (۱۳۸۹)، دیدگاه امام خمینی (ره) درباره جایگاه زن با محوریت شخصیت حضرت زهرا (ع)، تهران: معاونت فرهنگی ستاد بزرگداشت حضرت امام خمینی (ره).